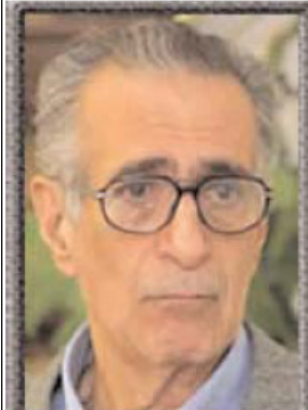


# ایجاد آژانس خبر مطلب انتشار مجله آتش کودتای مطبوعاتی علیه "سیامک پورزند"؟!

مجله هم در هفته منتشر کند که به کلی مستقل از روزنامه و دارای مشی و روش تازه‌ای در هر زمینه از جمله سیاست باشد.

در این زمینه با او همکاری کنند و به همین ترتیب چندین نویسنده و روزنامه نگار دیگر هم که بازاری برای 'مناخ' خود می‌خواستند که با



سیامک پورزند در انهای راه زندگی بعد از خروج از زندان

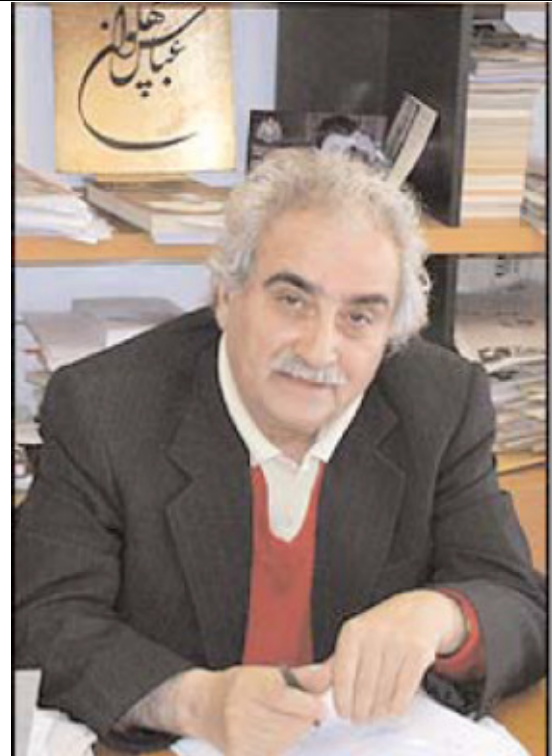
سیامک پورزند در میانسالی و در اوج فعالیت های مطبوعاتی

این مجله در مدت کوتاهی تیراژ فوق‌العاده‌ای پیدا کرد و به خصوص امکان آژانس خبر و مطلب عرصه وسیعی شده بود که نویسندگان و مترجمان می‌توانستند هر آن چه می‌نویسند و یا ترجمه می‌کنند، بلافاصله به چاپ برسانند و به اصطلاح خریدار داشته باشد چنین موفقیتی که در عالم مطبوعات چندان ساده به دست نمی‌آید. گروهی از همکاران مطبوعاتی را به فکر رقابت انداخت که متأسفانه در عرصه مطبوعات از بدو فعالیت های مطبوعاتی در ایران میان نشریات از یک سو، و از سوی دیگر روزنامه نگاران بوده است و به همین ترتیب مجله آتش- که به طور مستقل با سردبیری سیامک پورزند، بدون دخالت سیاسی و حتی توصیه سیاسی 'میراشرفی' همچنان با تیراژی بیش از ۴۵ هزار شماره سیر صعودی را داشت- در معرض تحولات تازه‌ای قرار گرفت به این ترتیب که حجت الاسلام سید شمس‌الدین قنات آبادی که از جمله هم‌زمان آیت‌الله کاشانی در

جریان ملی شدن نفت بود ناگهان تعبیر لباس داد و کسوت روحانیت را کنار گذاشت و به صورت یک نماینده مجلس شیک پوش، و وسیله بعضی از دوستان مطبوعاتی اش که در سایر ارگان های مطبوعاتی بودند، تشویق شد که علاقمند به فعالیت مطبوعاتی هم شود و با دوستی میان او و 'سیدمهدی میراشرفی' در مجلس، او به عنوان مدیرمجله آتش معرفی شد و در این زمینه نه این که

دستشان کوتاه بود یا امکانش را نداشتند و یا معروفیتی نداشتند و سردبیران جرأید آنها را تحویل نمی‌گرفتند به این آژانس جلب شدند. برای این منظور ایرج نبوی که به حق یکی از روزنامه نگاران نامدار و پدیده‌ای در کارها و ابتکارات مطبوعاتی بود با اغلب مدیران جرأید و مجلات تماس گرفت و ترتیب همکاری آژانس خبر و مطلب را با این نشریات داد که با استقبال آنها نیز روبرو شد. چون همه مطالب آژانس خبر و مطلب به قول معروف 'شسته و رفته' با تیتر و عکس لازم در هر زمینه برایشان ارسال می‌شد و به چاپ می‌رسید.

در این مورد علاوه بر روزنامه ها و هفته‌نامه‌های قدیمی نشریات تازه ای به عرصه مطبوعاتی ایران پا گذاشته بودند نیز از این همکاری استقبال کردند و موسسه اطلاعات و کیهان هم که نسبتاً از کادر زنده ای برخوردار بودند نیز از مشتریان این آژانس شدند و صمیمانه با آن همکاری می‌کردند. هم چنین مجلات مستقل و پرتیراژی مثل مجله‌های 'خواندنی‌ها و پرواز' و... در اوآن معروفیت آژانس خبر و مقاله روزنامه نگار معروف سیامک پورزند سردبیر سینمایی اولین مجلاتی که در این زمینه بود و هم چنین دستی در تهیه سایر مطالب داشت (گزارش‌های اجتماعی) و با تجربه سردبیری چند مجله دیگر موفق شد تا سیدمهدی میراشرفی که صاحب مؤسسه مطبوعاتی آتش را (که روزنامه آتش را هر روز منتشر می‌کرد) راضی نماید که یک



نظیر آذربایجان و بلوای جنوب و سپس مسائل ملی مانند ملی شدن نفت در سراسر کشور، جای این گونه نشریات را محدود کرده بود تا این که پس از فروکش کردن این گونه احساسات ملی که گاه مانند نجات آذربایجان و ملی شدن نفت از جمله افتخارات ملت ایران به شمار می‌رفت، مطبوعات ایرانی توانستند بخت خود را در سایر زمینه‌ها و انواع نشریات روزانه و هفتگی و ماهانه را به آزمایش بگذارند و خیلی زود به فراخور مطالب خود و ابتکارات مطبوعاتی به موفقیت های بزرگی نائل آمدند.

پس از چندی مطبوعات به کمبود نویسنده، گزارش نویس و مترجم روبرو شدند که در آن زمان یک نویسنده یا روزنامه نگار حرفه‌ای و رمان نویس و مترجم در چند نشریه کار می‌کرد ولی باز موفق نمی‌شد که به تعهدات خود عمل کند.

در چنین شرایطی بود که ایرج نبوی یکی از روزنامه نگاران موفقیتی که هفته‌نامه پرخواننده آژنگ را منتشر می‌کرد، با چندتن از دوستان خود تصمیم گرفت که با ایجاد آژانس خبر و مطلب این جای خالی مطالب، در مطبوعات مختلف را پر کند و نویسندگان و روزنامه نگاران که با او دوست و همکار بودند و یا به وسیله او به کار مطبوعاتی آمده بودند، حاضر شدند

## یادها و خاطره‌ها

### میاس پهلوان

... محدودیتی که با واقعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران به خصوص برای آزادی مطبوعات- که در آن سال های دهه ۳۰ کارهای مطبوعاتی به خصوص نشریات وابسته به سازمان های سیاسی به بی بند و باری های زنده‌ای کشیده شده بود- منجر به این شد که از سال ۱۳۳۳ عرصه برای نشریات مختلف و به اصطلاح مطبوعات 'سیاسی' هدایت شده به وجود آمد تا آن فضای پرچوش و خروش از برخورد های سیاسی و عرصه زنده یادها و مرده یادها تخفیف پیدا کرد و زمینه را برای نشریات دیگری فراهم شد که هدف های خاص سیاسی را دنبال نمی‌کردند یا وابسته به یک حزب و گروه سیاسی نبودند و بالطبع بایستی صفحات نشریات خود را به مطالب گوناگون و متنوع و خواندنی اختصاص دهند که زمینه وسیعی هم داشت: از دانستی های علمی، تا رمان های اجتماعی و عشقی، خبرها سیاسی جهان تا گزارش های سینمایی (چنانچه در

سایر کشورها متداول بود) ولی بعد از جنگ دوم و اشغال ایران توسط قوای بیگانه و جریانات جداطلبی

	<p>روزنامه نگاران، نویسندگان مطبوعات، درصدد برآمدند که اقدام به تشکیل یک سندیکا نمایند... و خیلی زود موفق به این مهم شدند.</p>	<p>میراشرفی دستور داد چاپخانه از قبول مقالات و حروف چینی مطالب پورزند خودداری کنند و به این ترتیب دوستان سیامک و هیئت تحریریه آتش مجبور شدند که دسته جمعی مجله آتش را ترک کنند. آژانس خبر و مطلب نیز در این میان ضرر و زیان دید و مدیر موسسه مطبوعاتی آتش حاضر به پرداخت تعهدات مالی خود نشد. بدیهی است مجله آتش که برای اولین بار به طرز جدید و با مطالب گوناگون مورد پسند جوانان منتشر می شد با هجوم هیئت تحریریه جدید به کلی دگرگون شد که با وجود سردبیری مطبوعاتی مشخص، ورزیده و باتجربه ای مثل احمد سروش نویسنده و روزنامه نگار قدیمی هم توانست گلیم مجله آتش از آن آب آلوده ای که برایش فراهم شده بود، بیرون آورد. در همین دوران رواج عکس و تصویلات بعضی از هنرپیشه ها و خواننده های لاله زاری که عکس های رنگی آنها به عنوان دروغین، ملکه زیبایی خوانندگان! ملکه زیبایی تاترا! ملکه زیبایی سینما! و با عناوین دیگری وضع جلف و زننده ای در مجله آتش چاپ می شد به کلی این نشریه را زمین زد و به تعطیل کشانید. ولی آژانس خبر و مطلب با تلاش ایرج نبوی هم چنان به فعالیت خود با چند نشریه دیگر ادامه می داد که با معروفیت بعضی از همکاران و نویسندگان آژانس، که شهرتی یافته بودند، آنها ترجیح دادند که شخصاً به فعالیت مطبوعاتی ادامه دهند و به این ترتیب یک حرکت جمعی مطبوعاتی که برای اولین بار می توانست در مطبوعات ایران اثر بخش باشد، به مرور منحل شد ولی این خود فکر و زمینه ای بود که</p>	<p>علاقتمند بلکه فعال هم بود و در همین حال پسر میراشرفی که مدیر چاپخانه آتش بود نیز علاقمند به فعالیت مطبوعاتی گردید. به این ترتیب دایره فعالیت سیامک پورزند و رفقاییش و هم چنین آژانس خبر و مطلب به مرور محدود شد. آقا شمس که در کار مجلس و سیاست دوستان مطبوعاتی پیدا کرده بود که عموماً خبرنگار یا گزارش نویس سیاسی خوبی هم بودند ولی با آمدن به مجله آتش این مجله را - که از سوی جوانان (دختران و پسران) مورد استقبال قرار گرفته بود- دچار مخاطره قرار دادند و لاقفل دوگانگی هایی میان مطالب سیاسی، اجتماعی و مطالب مورد علاقه جوانان به وجود آورد. آن گونه مطالبی که از سوی رفقای شمس قنات آبادی تهیه می شد و تحویل سیامک پورزند سردبیر مجله می شد بالطبع مورد پسند و نظر او در مثنی کلی مجله نبود و این خود موجب تقار و کدورت شد. متأسفانه در میان همکاران تازه مجله آتش (دوست آقا شمس) چند نفری به شدت دچار اعتیاد بودند که فضای جوان و فعال و بی شکیله پیمه مجله آتش و مراجعه کنندگان جوان آن را دچار سوء تفاهماتی می کرد که نامناسب بود و این جریانات موجب کدورت هایی شد که کم کم آن عده از روزنامه نگاران مطبوعاتی با کمک پسر میراشرفی که مدیر چاپخانه و مسئول چاپ مجله بود بیشتر در مجله رخنه کردند و با زور و اصرار می خواستند مطالب خود را تحمیل کنند. با این که روابط شمس الدین قنات آبادی و سیامک پورزند و دوستانش بسیار صمیمانه بود - آن ها موفق به یک کودتای مطبوعاتی در مجله آتش شدند و پسر</p>
--	--	--	---